

## میزبانی جشنواره ایتالیایی از ۳ انیمیشن ایرانی



**بخش فرهنگی** – هفدهمین جشنواره بین‌المللی انیمیشن «**IMAGINARIA**» در کشور ایتالیا از سه انیمیشن کوتاه ایرانی برای حضور در بخش‌های مختلف این رویداد سینمایی دعوت کرد. به گزارش ایسنا، در این جشنواره سینمایی انیمیشن «جیبر» به کارگردانی ریحانه میرهامشی در بخش رقابتی انیمیشن‌های کوتاه حضور خواهد داشت. همچنین انیمیشن «سینک» از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به کارگردانی محبوبه کلایی در بخش مسابقه آثار دانشجویی و انیمیشن کوتاه «آقای بی‌تفاوت» ساخته آریاسب فیض در بخش رقابتی انیمیشن‌های کودکان به روی پرده خواهد رفت. انیمیشن ۱۰ دقیقه‌ای «جیبر» قصه رشادت و عشق محیط‌بانی را روایت می‌کند که با طبیعت و حیوانات همسان می‌شود تا از آنان محافظت کند. انیمیشن «سینک» نیز اثری تجربی است که به‌هم آمیختگی فیلم زنده و خیال، اساس آن را شکل می‌دهد. در این فیلم زن و مردی به شکل تهمانده قهوه از دو فنجان درون سینک بیرون می‌آیند و… «آقای بی‌تفاوت» هم داستان مدیری است که از نظر کاری سرش بسیار شلوغ است و به هیچ‌عنوان به اطرافیانش توجهی ندارد تا این‌که یک روز پیرزنی برای عبور از خیابان دست او را به اجبار می‌گیرد و این اتفاق در زندگی مدیر مغرور تغییر شگفتی ایجاد می‌کند. هفدهمین دوره جشنواره بین‌المللی انیمیشن «IMAGINARIA» از ۱۹ تا ۲۴ اوت (۲۸ مرداد تا دوم شهریورماه) در شهر کانورسانو ایتالیا برگزار می‌شود.

●●●●●

### نسخه روسی «چرنوبیل» رونمایی شد

**بخش فرهنگی** – تلویزیون روسیه قرار است نسخه‌ای جدید از سریال «چرنوبیل» که ظاهرا تفاوت‌های فراوانی با نسخه آمریکایی آن دارد را به‌زودی به روی آنتن ببرد. به گزارش ایسنا، سریال پنج قسمتی «چرنوبیل» محصول شبکه «HBO» آمریکا پس از نمایش با بازخوردهای بسیار مثبتی روبه‌رو شد؛ گرچه این سریال چندان به مذاق روس‌ها خوش نیامد و اعلام کردند که قصد دارند روایت خود را از فاجعه اتمی در نیروگاه چرنوبیل در قالب یک سریال جدید ارائه دهند. بنابر اعلام «LADBIBLE»، قرار است نسخه روسی این سریال از شبکه دولتی «NTV» روسیه به روی آنتن برود و ظاهرا در آن به نقش جاسوسان آمریکایی در این فاجعه بزرگ اتمی پرداخته شده است و داستان درباره یک مامور سرویس جاسوسی آمریکاست که برای کسب اطلاعات از نیروگاه اتمی چرنوبیل به در قالب ماموریت راهی روسیه می‌شود و یک مامور ضدجاسوس روس نیز وظیفه رویارویی با او را دارد. به گفته «لاکسی ماردوف» کارگردان این سریال، نسخه جدید «چرنوبیل» به مردم نشان می‌دهد که «واقعاً چه چیزی اتفاق افتاده است». این کارگردان در گفتگو با یک روزنامه روسی عنوان کرده یک تئوری وجود دارد که بر اساس آن آمریکایی‌ها به نیروگاه اتمی چرنوبیل نفوذ کرده بودند و بسیار از مورخان نیز این موضوع را انکار نکرده‌اند که در روز انفجار یکی از عوامل جاسوسی دشمن در محل حادثه حضور داشته است. سریال آمریکایی «چرنوبیل» توانسته تاکنون بالاترین امتیاز را در میان تمام سریال‌های ساخته شده در آمریکا در وب‌سایت «IMDB» به خود اختصاص دهد و در سایت «راتن تومیتوز» نیز امتیاز درخشان ۹۶ درصد را کسب کرده است. این سریال در جوایز تلویزیونی امی در ۱۹ شاخه نامزد کسب جایزه است. نسخه روسی سریال «چرنوبیل» در بلاروس فیلمبرداری شده است و اخیرا یک تریلر از آن منتشر شده است. شبکه «NTV» روسیه هنوز تریلر این مجموعه را به طور رسمی رونمایی نکرده است.

●●●●●

## عدنان کنفانی، نویسنده و برادر غسان کنفانی درگذشت

**بخش فرهنگی** – عدنان کنفانی، نویسنده فلسطینی و برادر غسان کنفانی در سن ۷۹ سالگی از دنیا رفت. به گزارش ایبنا به نقل از خبرگزاری سانا- غسان کنفانی، نویسنده فلسطینی و صاحب جوایز متعدد ادبی که در دمشق اقامت داشت در سن ۷۹سالگیو بعد از تحمل یک دوره بیماری دار فانی را وداع گفت.

عدنان کنفانی ۴ سال پس از برادرش غسان کنفانی، در سال ۱۹۴۰ میلادی در شهر اشغالی یافا در فلسطین زاده شد. او مهندس مکانیک و عضو اتحادیه نویسندگان عرب و واتحادیه کل نویسندگان و روزنامه‌نگاران فلسطینی بود و در شهر دمشق به عنوان روزنامه‌نگار و نویسنده فعالیت کرد. او آثار متعددی را متأثر از مسئله فلسطین و رویدادهای مربوط به فلسطینیان از جمله «غسان کنفانی، صفحاتی که تا خورده بود»، «رایعه»، «قبرهای بیگانه‌گان»، «می‌ترسم که صبح مرا دریابد»، «چاه ارواح و قصه‌های دیگر»، «رایعه»، «بی‌حسی روح»، «زمانی که سلاح زنگ می‌زند» و «در حاشیه نغمه‌ها» به نگارش در آورد که جوایز متعددی را برایش به ارمغان آوردند. او در سال ۲۰۰۱ در جشنواره انتقالفه که در ایران برگزار شد شرکت کرد و برنده جایزه بهترین اثر خلاقانه در مسابقه خلاقیت امام خمینی در روز قدس شد و در سال ۲۰۰۵ نیز در جشنواره یاری مقاومت ملت فلسطین در اسپانیا شرکت کرد و از سوی انجمن بین‌المللی پدران فلسطینی برای برتری خلاقانه در داستان گرمای داشته شد و جایزه‌ای ویژه به وی اهدا شد.

## {فرهنگ و هنر}

**نقدی بر پخش فیلم «قدیس»**
فیلمی درباره احمد شاملو از تلویزیون

# به من نگو دوست دارم که باورم نمیشه!

سه سال طول کشیده برایم سخت است همچنان که باور مدعای فیلمساز که هدف از ساختن این فیلم عشق به هنر و ادبیات بوده.
آیه نظرم حتی در حد مدعای لنی ریفتشتال برای ساخت «پیروزی اراده» هم-بعد از شکست آلمان نازی و زمان محاکمه‌اش- عشق به سینما هم نبوده!
کل «اطلاعات سرسری گردآوری شده» از زندگی شاملو، ۹۰ درصدش همان صفحه ویکی‌پدیا درباره شاملوست -که تازه خیلی ناقص است- باقی هم دیدن فیلم‌های آرشیوی که مطمئناً سفارش‌دهندگان فیلم، زحماتاش را کشیده‌اند و در اختیار لامعی قرار داده‌اند.

اگر لامعی، نه سه سال که تنها سه روز را به یوسفعلی میرشکاک اختصاص می‌داد آکه در فیلم درباره فروغ و نیما صحبت می‌کند! -بدون هیچ تردیدی عرض می‌کنم- ۱۰۰ برابر اطلاعات سطحی و «باری به هرجهت» این فیلم را در دستمزدش را حلال کند!
بی‌اطلاعی لامعی-شما بخوانید «بی‌سوادی» من رسماً از شما تشکر می‌کنم!-
لفظ معطوف شاملو نیست، همه را هدف گرفته. لامعی نمی‌داند که شفיעی کدکنی پیش از انتشار آن متن آکه لحن ناخوشنن‌دارانه و عصبی‌اش، با همه‌ی متون آکادمیک او متفاوت است! از مدافعان سرسخت شاملو در دانشگاه بوده و در چند کتاب مطرح خود-حتی در مقالاتش در دهه ۵۰- شاملو و شعرش را ستوده و شاگردانش که اکنون به استادانی نام‌آور بدل شده‌اند، در همه‌گیر شدن شعر شاملو در ۵ دهه اخیر، نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند.

قائم مقام مدیر شبکه سه سیما در پاسخ به منتقدان مستند احمد شاملو با عنوان «قدیس» گفته: «ما در سالگرد فوت احمد شاملو مستند قدیس را پخش کردیم که بسیار مورد توجه قرار گرفت؛ البته مواردی توسط کارگردان اثر مطرح شد که خود ایشان در بست‌های بعدی نسبت به این موارد توضیحاتی دادند. طبعاً نسخه اصلی مستند «قدیس» در فضای مجازی وجود دارد و می‌شود آن را با نسخه پخش شده از تلویزیون مقایسه کرد. مخاطب با این مقایسه متوجه خواهد شد که هیچ تغییر محسوسی در محتوا ایجاد نشده است... روش متمدانه روشنفکران در فضای مجازی برای آنچه دوست ندارند فحش‌های رکیک و پررحجم است و طوری سازندگان چنین کارهایی را بمباران می‌کنند تا طرف را مجبور به واکنش کند. این اتفاق در مستند «قدیس» هم مانند همه محصولات این‌چنینی افتاد. اگرچه کارگردان مستند، روز گذشته توضیحاتی داد که مخالفان سیاسی فیلم را ناامید کرد.»

# روزی روزگاری تارانتینو

خواهد رسید که فیلمسازان جوان در آغاز با مفهوم تحقق و هماهنگی با جهان پیرامون خویش آشنا شوند و در شروع کار خود چون یک موسیقی فالش نباشند!
آهنگسازان مدرن و چیره دست نیز اینگونه عمل می‌کنند و آگاهانه از یک نُت فالش برای شکل‌گیری اتمسفری جدید بهره می‌برند، کاری که «تارانتینو»با فیلم «داستان عامه‌پسند» هوشمندانه آنرا به تصویر کشید!

شاید ذکر این نکته مفید باشد که «تارانتینو» پس از سالها کار در یک کلوب فیلم، بازیگری و نوشتن فیلمنامه «قاتلین بالفطره» برای «الیور استون» و ساخت فیلم به نام «سگدانی» و بدونی اینکه تحصیلات آکادمیکی داشته باشد، سینما را در آشوب جهان درونی خویش پیدا کرد!
اما این فیلم آخر او«روزی روزگاری در هالیوود»فاصله زیادی با توانایی‌های قبلی او دارد!

شخصیت‌ها در جهانی سیاه و سفید با یک «جلوه ظاهری و هالیوودی» نشان داده می‌شوند که ستیز این شخصیت‌ها مثل سایر آثار تارانتینو با نوعی انتقام گرفتن از یکدیگر همراه است تا داستان به صورت غیر خطی به اوج برسد؛ در این فیلم نیز مخاطب به نوعی سینمای اکشن نزدیک شده که از روایت، مونتاژ و صداگذاری هوشمندانه‌ای برخوردار است، و همین عناصر دیداری و شنیداری با یک صحنه پردازی خوش رنگ و لعاب، مخاطب را در سالن سینما نگه می‌دارد اما این فیلم با این همه رگیار‌های نامنظم روایتی، از همان چیزی رنج می‌برد که سینمای امروز جهان به آن نیازمند است و آن تنها سرگرمی مخاطب نیست بلکه بیدار نگاه داشتن اوست!

شاید این پرسش به وجود بیاید پس چرا فیلم مورد استقبال تماشاچیان قرار گرفت؟
زیرا در میان سایر فیلم‌های خسته‌کننده‌ای که امسال در جشنواره کن به روی پرده رفتند، طبیعتاً «روزی روزگاری در هالیوود» یک «رنگ تفریح» به حساب آمد؛ مخصوصاً برای مخاطبینی که گاه دنبال تفرحات سالمی هستند تا بهانه‌ای برای وابستگی و اعتیاد کمتر به اینترنت و اینستاگرام پیدا کنند!
به نظر نمی‌رسد که «روزی روزگاری در هالیوود» بتواند روزهای اوج و موفقیت پیشین تارانتینو را تکرار نماید!

✽ **نویسنده و کارگردان**

# فریاد من و کیمیایی زنده‌ایم مهرجویی را شنیدید؟

مهرجویی نیامده بود تا در ترسیم خود و کیمیایی از نبوده‌های‌شان بگوید. او آمده بود حدیث نفس بگوید و چه زیبا روایت کرد آنچه را باید می‌گفت: «هن و مسعود و ناصر تقوایی بودیم که موج نو را در سینمای ایران راه

انداختیم، یادم می‌آید که جلساتی داشتیم در آپارتمان من که قیام کرده بودیم علیه جریان فیلمسازی ایران. فیلمسازان جوانی که فیلم‌های‌شان با سانسور می‌شد یا توقیف می‌شد هی. خلاصه ما دست دردست هم دادیم و یک طغیان اساسی کردیم علیه سیستم شاهنشاه.رفقیم کیهان، مانیفست خواندیم و ترتیب سینمای آبگوشی و وزارت فرهنگ و هم‌راه با هم دادیم. ۶ یا ۷ تا بچه ۲۴ و ۲۵ ساله بودیم، دقیقاً هم نمی‌دانستیم چی کار داریم می‌کنیم اما انگیزه مقاومت مقابل رژیمی استبدادی را داشتیم.»

**کیمیایی، مهرجویی و الوتد**

حرف‌ها کاملاً گویاست و ارجاع به هر کدام از ساخته‌های همین جوان‌های آن موقع از «قیصر» و «گوزن‌ها» تا «گاو» و «ایبی جان ناپلئون» حتی «فریاد زی‌راب»، ج‌ای هیچ‌اما و اگری نمی‌گذارد. این واژه‌ها که چطور نسلی بر آمده از کوچه پس‌کوچه‌های پایین شهر، اینچنین با دوربین به جای تیزی، توانسته بودند خیزش اجتماعی ایجاد کنند و حکومتی را به چالشی بزرگ بکشانند، تمام آنچه بود که مهرجویی داشت پیش چشم‌مان می‌آورد.

مایی که دیگر آنها را تمام‌شدگانی می‌پنداریم که جای‌شان ته ویترن خاطره‌هاست. فیلم که می‌سازند، راستش خروجی کارشان چاره‌ای غیر از همین نگاه برای‌مان نمی‌گذارد اما فراموش مان می‌شود می‌توانیم نقد داشته باشیم و نینسندیم،شان‌اما می‌توانیم حرمت نگه داریم، پوزخندمان را نصیب‌شان نکنیم که این سینمای‌مان همیشه و تا ابد مدیون‌شان است.» آنها می‌خواهند قیل از سردیس شدن، حق حیات‌شان را نادیده بگیریم، حتی اگر دیگر زبان فیلمسازی، دنیاها، رویاها و ادبیات‌شان از مد افتاده و کسالت‌آور باشد برای‌مان!

یکشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۸

## پرواز همای، مشاور یک جشنواره سینمایی شد



**بخش فرهنگی** – پرواز همای، خواننده، در حکمی عجیب و بی سابقه به عنوان مشاور هنری جشنواره فیلم مستقل خورشید منصوب شد.

به گزارش خبرآنلاین، پرواز همای خواننده باسابقه گروه مستان که این روزها اپرای حلاج را به نویسندگی، آهنگسازی، خوانندگی و کارگردانی خود در مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران به روی صحنه دارد، با حکم مهدی یارمحمدی دبیر هفتمین جشنواره فیلم مستقل خورشید، به عنوان مشاور هنری این جشنواره منصوب شد.

در متن این حکم آمده است:

«به نام خدا

هنرمند مستقل و گرانمایه جناب آقای پرواز همای با سلام و احترام؛

پیرو برگزاری موفق شش دوره پیشین جشنواره فیلم مستقل خورشید، برآنیم تا هفتمین دوره این جشنواره را همچون دوره های پیشین به عنوان رخداد ویژه سینمای مستقل تجربه گرای کشور برگزار نماییم.

این جشنواره مستقل اولویت خود را بر شناسایی، تقدیر و معرفی فیلمسازان و فیلم‌های مستقل، خلاق، هنری، پیشرو و تجربه گرا قرار داده است و تلاش می کند در جهت تأکید بر ضرورت گسترش تولید این آثار ارزشمند و معرفی این سینما به عنوان سینمای مبتنی بر اندیشه و خلاقیت گام بردارد و این راهی است که جشنواره خورشید برای معرفی فیلمسازان نخبه و آثار ارزشمند خردگرا و خلاق به عنوان تصویر صحیح از سینمای موثر و جریان ساز ایران به جامعه بین المللی دنبال می کند. از آنجا که برگزاری مطلوب هفتمین دوره این جشنواره، نیاز به همراهی، مشاوره و حمایت افراد فرهیخته، ارزنده، آگاه و توانمند دارد، با توجه به دانش، آگاهی و تجربیات ارزشمند شما، با نهایت احترام به عنوان «مشاور هنری هفتمین جشنواره فیلم مستقل خورشید» منصوب می شوید. امید است در سایه عنایات خداوند و با همراهی شما، جشنواره ای در شان سینمای مستقل تجربه گرا کشور عزیزمان برگزار نماییم.»

این اتفاق که یک خواننده به عنوان مشاور هنری جشنواره‌ای سینمایی منصوب شود در نوع خود عجیب و البته قابل توجه است و باید دید انتخاب یک خواننده به عنوان مشاور این جشنواره سینمایی با چه توجیهی صورت گرفته و پرواز همای قرار است در چه زمینه‌ای به این جشنواره سینمایی مشاوره بدهد.

●●●●●

## دیوید بالداجی با رمان جدیدش دوباره پرفروش شد

**بخش فرهنگی** – نام دیوید بالداجی، نویسنده مشهور و پرفروش رمان‌های جنایی بار دیگر در جدیدترین فهرست پرفروش‌های داستانی نیویورک‌تایمز دیده می‌شود.

رمان «یک اقدام خوب» نام جدیدترین اثر دیوید بالداجی است که در اولین هفته حضورش در فهرست پرفروش‌های داستانی (HARD COVER) با کنار زدن رمان پرفروش «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» در صدر فهرست قرار گرفت. این اولین‌باری نیست که او با کنار زدن دلیا اوزن جایگاه اول را به خود اختصاص می‌دهد. پیش‌تر، «رستگاری» دیگر رمان این نویسنده جایگاه اول را از چنگ «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» درآورده بود.

بالداجی در رمان جدید خود داستان سرباز کهنه‌کار جنگ جهانی دوم به نام آرچر را روایت می‌کند که تحت آزادی مشروط برای مدتی از زندان آزاد می‌شود. این سرباز در این مدت باید قاتل واقعی پرونده‌ای را که در آن او به عنوان متهم شناخته شده پیدا کند، در غیر این صورت بار دیگر به زندان بازگردانده خواهد شد.

«فراموش‌شده»، «تابستان آن سال»، «آبی مطلق»، «بی‌گناه» و «روز صفر» از جمله آثار این نویسنده هستند که تاکنون به زبان فارسی ترجمه شده‌اند.

رمان «دلیا اوزن» نیز پس از ۴۶ هفته حضور در فهرست پرفروش‌های داستانی در جایگاه دوم به چشم می‌خورد. در رتبه سوم این فهرست، رمان «پشمان نیکی» نوشته کلسون وایتهد قرار گرفته است. وایتهد که جایزه ادبیات داستانی پولیتزر را در کارنامه خود دارد، در رمان جدید خود داستان دو پسر سیاه‌پوست محکوم به تحصیل در یک مدرسه بازپروری در دوران اجرای قانون جیم کرو را روایت می‌کند.

در رتبه چهارم لیست نام رمان جدید دنیل سیلوا دیگر نویسنده پرفروش با عنوان «دختر جدید» دیده می‌شود.